مجلس اوّل:

اهمیت روزه درتحصیل ملکه تقوی

حضرت علامه آیت الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

تفسیر آیه:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ﴾

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم

و الصّلاة على محمّد و آله الطّاهرين

و لعنة اللّه على أعدائهم أجمعين من الآن إلى

قيام يوم الدّين

۞ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ

عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى

ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ

تَتَّقُونَ﴿﴾.[1]

خطاب حضرت باری تعالی است با مؤمنین؛ گرچه کفّار نیز مانند مؤمنین مکلّف به فروعند، لکن به جهت آنکه مؤمنین اینگونه خطابات را تلقّی به قبول می‌کنند مخاطب قرار گرفته‌اند.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر شما روزه داشتن واجب شد همچنان که بر امم سالفه که قبل از شما بوده‌اند نیز واجب شده است؛ و این وجوب روزه به علّت آنست که در مقام تقوی برآئید و

خود را در مصونیّت الهی بیاورید.»

حقیقت تقوا

در «مجمع البیان» از حضرت صادق علیه السّلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند:

لَذَّةُ ما فِی النِّداءِ أزالَ تَعَبَ العِبَادَةِ و العِناءِ.[2]

بدیهی است خدای مهربان که مؤمنین را ندا می‌کند و آنان را لایق خطاب قرار می‌دهد، هر سختی که در روزه است از بین می‌رود و شیرینی ندا دیگر تعبی نمی‌گذارد. و امّا جهت آنکه می‌فرماید: ﴿كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ﴾، برای آنست که مؤمنین بدانند این تکلیف اختصاص به اُمّت پیغمبر آخر الزمان ندارد بلکه در امم پیشین بوده، و خود همین معنی که

عمومیّت تکلیف است دشواری آنرا برای انسان آسان می‌کند که **البَلِیَّةُ إذا عَمَّتْ طابَتْ**.[3] و امّا جهت آنکه غایت و غرض از این تکلیف را تقوی قرار می‌دهد برای آنست که تقوی که بهترین فضیلت از فضائل انسانی است بر این فریضه استوار است و بدون روزه انسان به اوج این شرف نمی‌رسد.

تقوی به معنی پرهیز نیست، گرچه پرهیز از ناپسندیده‌ها لازمهٔ آن است؛ بلکه تقوی به معنی مصونیّت و در حفظ و امان

درآمدن است. **وَقَی یَقِی وِقَایَةً** و **وَقْیًا** به معنی حصان و حفظ[4] است. خدا می‌فرماید: شاید شما، و امید است که شما در مصونیّت الهی درآئید و از گزند نفس امّاره و شیطان بدین فریضهٔ الهیّه در امان خدا و حفظ او قرار گیرید. و اگر ملکهٔ تقوی در انسان جای گرفت دیگر برای او بیم و هراسی نیست. وساوس شیطانیّه و هواهای نفسانیّه در او نمی‌تواند اثری بگذارد؛ همانطور که در علوم مادّی برای وقایه و مصونیّت از آفت وسیله‌ای به کار

می‌برند.

شخصی که جوش اکسیژن یا برق می‌دهد ماسک می‌گیرد، غوّاص برای مصونیّت از درندگان تحت البحری لباس خاصّی در تن می‌کند و با خود کپسول اکسیژن می‌برد، شخصی که به کره ماه می‌رود با لباس خاصّ و تنفّس خاصّ خود را از فشار و حرارت و برودت و گازهای مختلفهٔ هلاک کننده در مصونیّت می‌آورد. و همانطور که بواسطهٔ تزریق آبله و واکسن وبا و طاعون در انسان سپر

دفاع از مرض و سپر دفاع از میکرب نافذ و روان ایجاد می‌گردد، همانطور بواسطهٔ ملکهٔ تقوی یک نوع مصونیّت روحی برای انسان پیدا می‌گردد که با آن حفظ و امان انسان به میکربهای آلودهٔ خفه کنندهٔ معاصی مبتلا نمی‌شود؛ شهوات انسان را به زمین نمی‌کوبند، آرزوهای پست و زینتهای دلفریب عالم غرور در روح بلندمرتبهٔ انسانْ زبون و خوار جلوه می‌کند، با عدل و میانه‌روی در جمیع امور بشر در صراط مستقیم حرکت می‌کند.

گوئی در اثر این ملکهٔ تقوی نفس او در کپسول ضدّ شهوات جای گرفته، و با تزریق آمپولهای صبر و صلای و مجاهده و انفاق و ایثار و عدالت در مقام شامخی برآمده و نفس خود را واکسن کوبی کرده است.

روزه که حقیقتاً حظّ وافری از این معنی دارد در درجات اولیّهٔ موادّ این تقوی قرار گرفته است. شخص روزه‌دار به علت کفّ نفس از شهوات و جلوگیری از افراط در لذائذ و کفّ نفس از ملتذّات

بصری و سمعی و لسانی که از حدّ اعتدال خارج است خود را دائماً به این مصونیّت و ملکهٔ تقوی نزدیک می‌کند و به مقام انسانیّت که حقّ انسان است می‌رسد؛ آن انسانیّتی که لذّات حیوانی را درخور روزی خود نمی‌داند و رزق خود را از مقام شامخ **أبیتُ عِندَ رَبِّی یُطعِمُنی و یَسقینِی**[5] می‌گیرد. و لذا باید دانست که حقیقت روزه نه فقط امساک در خوردن و آشامیدن و امثال آنهاست، بلکه امساک جوارح و اعضاء از جمیع بدیها و

تجاوزات و امساک دل از غیر توجّه به خدا [است].

أمیرالمؤمنین علیه السّلام می‌فرماید:

کَم مِن صائِمٍ لَیسَ لَهُ مِن صیامِهِ إلاّ الجُوعُ و الظَّمأُ، و کَم مِن قائِمٍ لَیسَ لَهُ مِن قیامِهِ إلاّ السَّهَرُ و العَناءُ، حَبَّذا نَومُ الأکیاسِ و إفطارُهُم![6]

«چه بسیار روزه داری که بهره از روزه خود ندارد جز تشنگی، و چه بسیار بپاخیزانی در شب که بهره‌ای از قیام خود ندارند جز بیداری و رنج، بَه بَه از خواب

زیرکان و بَه بَه از إفطار آنها!»

خطبه پیامبر اکرم در فضیلت ماه مبارک رمضان

در کتاب «وسائل الشیعه» نقل می‌کند از «عیون الأخبار» عن محمّد بن بکران النقّاش عن احمد بن الحسن القطان و محمّد بن احمد بن ابراهیم المعاذی و محمّد بن ابراهیم بن اسحق المکتب کلّهم عن احمد بن سعید عن علیّ بن الحسن بن فضّال عن أبیه عن الرّضا علیه السّلام

عن آبائه عليهم السّلام عن علىّ عليه السّلام:

إنَّ رَسولَ اللهِ صلّى الله عليه و آله و سلّم خَطَبَنا ذاتَ يَومٍ فَقالَ: أيُّها النّاسُ! إنَّهُ قَد أقبَلَ إلَيكُم [عليكم] شَهرُ اللهِ بِالبَرَكَةِ و الرَّحمَةِ و المَغفِرَةِ؛ شَهرٌ هو عِندَ اللهِ أفضَلُ الشُّهورِ و أيّامُهُ أفضَلُ الأيّامِ و لَياليهِ أفضَلُ اللَّيالى و ساعاتُهُ أفضَلُ السّاعاتِ. هو شَهرٌ دُعيتُم فيهِ إلَى ضيافَةِ اللهِ و جُعِلتُم فيهِ مِن أهلِ كَرامَةِ اللهِ؛

أنفاسُكُم فيهِ تَسبيحٌ و نَومُكُم فيهِ عِبادَةٌ و عَمَلُكُم فيهِ مَقبولٌ و دُعاؤُكُم فيهِ مُستَجابٌ. فاسألوا اللَهَ رَبَّكُم بِنِيّاتٍ صادِقَةٍ و قُلوبٍ طاهِرَةٍ أن يُوَفِّقَكُم لِصيامِهِ و تِلاوَةِ كِتابِهِ؛ فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَن حُرِمَ غُفرانَ اللَهِ فى هَذا الشَّهرِ العَظيمِ. و اذكُروا بِجوعِكُم و عَطَشِكُم فيهِ جوعَ يَومِ القيامَةِ و عَطَشَهُ، و تَصَدَّقوا عَلَى فُقَرائِكُم و مَساكينِكُم، و وَقِّروا كِبارَكُم، و ارحَموا صِغارَكُم، و صِلوا أرحامَكُم،

و احفَظوا ألسِنَتَكُم، و غُضُّوا عَمّا لا يَحِلُّ النَّظَرُ إلَيهِ أبصارَكُم و عَمّا لا يَحِلُّ الاستِماعُ إلَيهِ أسماعَكُم، و تَحَنَّنوا عَلَى أيتامِ النّاسِ يُتَحَنَّن عَلَى أيتامِكُم، و توبوا إلَى اللهِ مِن ذُنوبِكُم، و ارفَعوا إلَيهِ أيدِيَكُم بِالدُّعاءِ فى أوقاتِ صَلاتِكُم، فَإنَّها أفضَلُ السَّاعاتِ يَنظُرُ اللهُ عَزَّوجَلَّ فيها بِالرَّحمَةِ إلَى عِبادِهِ[7] يُجيبُهُم إذا ناجَوهُ و يُلَبِّيهِم إذا نادَوهُ و يُعطِيهِم إذا سَألوهُ و يَستَجيبُ لَهُم إذا دَعَوهُ.

أيُّها النَّاسُ! إنَّ أنفُسَكُم مَرهونَةٌ بِأعمالِكُم فَفُكُّوها بِاستِغفارِكُم، و ظُهورَكُم ثَقيلَةٌ مِن أوزارِكُم فَخَفِّفُوا عَنها بِطولِ سُجودِكُم؛ و اعلَموا أنَّ اللهَ[8] أقسَمَ بِعِزَّتِهِ أن لا يُعَذِّبَ المُصَلِّينَ و السّاجِدينَ و أن لا يُرَوِّعَهُم بِالنّارِ يَومَ يَقومُ النّاسُ لِرَبِّ العالَمينَ.

أيُّها النّاسُ! مَن فَطَّرَ مِنكُم صائِمًا مُؤمِنًا فى هَذا الشَّهرِ كانَ لَهُ بِذَلِكَ عِندَ اللهِ عِتقُ نَسَمَةٍ و مَغفِرَةٌ لِما مَضَى مِن

ذُنوبِهِ. قيلَ: يا رَسولَ اللهِ! فَلَيسَ كُلُّنا[3] يَقدِرُ عَلَى ذَلِكَ. فَقالَ صلّى الله عليه و آله و سلّم: اتَّقوا اللهَ[4] [النّارَ و لَو بِشِقِّ تَمرَةٍ اتَّقوا النّارَ] و لَو بِشَربَةٍ مِن ماءٍ.

أيُّها النّاسُ! مَن حَسَّنَ مِنكُم فى هَذا الشَّهرِ خُلُقَهُ كانَ لَهُ جَوازًا عَلَى الصِّراطِ يَومَ تَزِلُّ فيهِ الأقدامُ، و مَن خَفَّفَ فى هَذا الشَّهرِ عَمّا مَلَكَت يَمينُهُ خَفَّفَ اللهُ عَلَيهِ حِسابَهُ، و مَن كَفَّ فيهِ شَرَّهُ كَفَّ اللهُ عَنهُ غَضَبَهُ يَومَ يَلقاهُ، و

مَن أكرَمَ فيهِ يَتِيمًا أكرَمَهُ اللهُ يومَ يَلقاهُ، و مَن وَصَلَ فيهِ رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللهُ بِرَحمَتِهِ يَومَ يَلقاهُ، و مَن قَطَعَ فيهِ رَحِمَهُ قَطَعَ اللهُ عَنهُ رَحمَتَهُ يَومَ يَلقاهُ، و مَن تَطَوَّعَ فيهِ بِصَلاةٍ كَتَبَ اللهُ لَهُ بَراءَةً مِنَ النّارِ، و مَن أدَّى فيهِ فَرضًا كانَ لَهُ ثَوابُ مَن أدَّى سَبعينَ فَرِيضَةً فيما سِواهُ مِنَ الشُّهورِ، و مَن أكثَرَ فيهِ مِنَ الصَّلاةِ عَلَيَّ ثَقَّلَ اللهُ ميزانَهُ يَومَ تَخِفُّ المَوازينُ، و مَن تَلا فيهِ آيَةً مِنَ القُرآنِ كانَ لَهُ مِثلُ أجرِ مَن خَتَمَ القُرآنَ فى

غَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ.

أيُّها النّاسُ! إنَّ أبوابَ الجِنانِ فى هَذا الشَّهرِ مُفَتَّحَةٌ فَاسألوا رَبَّكُم أن لا يُغَلِّقَها عَنكُم [عَلَيكُم]، و أبوابَ النِّيرانِ مُغَلَّقَةٌ فَاسألوا رَبَّكُم أن لا يُفَتِّحَها عَلَيكُم، و الشَّياطينَ مَغلولَةٌ فَاسألوا رَبَّكُم أن لا يُسَلِّطَها عَلَيكُم.

قالَ أميرالمؤمنين عليه السّلام: فَقُمتُ فَقُلتُ: يا رَسولَ اللهِ (صلى الله عليه و آله)! ما أفضَلُ الأعمالِ فى هَذا الشَّهرِ؟ فَقالَ: يا أبا الحَسَنِ!

أفضَلُ الأعمالِ فی هَذا الشَّهرِ الوَرَعُ عَن مَحارِمِ اللهِ؛ الحدیث.[9]

تا اینجا مرحوم شیخ حرّ عاملی روایت را نقل می‌کند، و چون ذیل آن راجع به وظائف مستحبّه و اجتهاد در عبادت نیست لذا حدیث را تقطیع نموده است؛ ولکن شیخ بهائی در کتاب «اربعین» در تحت حدیث نُهم ذیلش را بیان می‌کند با سند متّصل خود از محمّد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی: شیخنا الصدوق (ره)؛ و همچنین مرحوم ملاّ محسن فیض

کاشانی نقل کرده است ذیل آنرا در کتاب «وافی» در باب فضل شهر رمضان، ص 53 و نسبت داده است آنرا به صدوق در کتاب «عَرض المجالس» عن احمد بن الحسن القطّان عن احمد بن محمّد بن سعید الهمدانی عن ابن فضّال عن أبیه عن الرضا علیه السّلام[10]، و آن دو عالم جلیل و سید بن طاووس ذیلش را بدینگونه نقل می‌کنند که:

ثُمَّ بَکَی؛ فَقُلتُ: ما یبکیك یا رسول اللَه؟ فَقالَ أبکی لِما یُستَحَلُّ مِنكَ فی

هَذا الشَّهرِ؛ كَأنّى بِكَ و أنتَ تُصَلِّى لِرَبِّكَ، و قَدِ انبَعَثَ أشقَى الأوَّلينَ و الآخِرينَ شَقيقُ عاقِرِ ناقَةِ ثَمودَ فَضَرَبَكَ ضَربَةً عَلَى قَرنِكَ فَخَضَبَ مِنها لِحْيَتَكَ. فَقُلتُ: يا رَسولَ اللَهِ! و ذَلِكَ فى سَلامَةٍ مِن دينى؟ فَقالَ صَلَّى اللَهُ عَلَيهِ و آلِهِ و سَلَّم: فى سَلامَةٍ مِن دِينِكَ. ثُمَّ قالَ صلّى اللَه عليه و آله و سلّم: يا عَلِىُّ! مَن قَتَلَكَ فَقَد قَتَلَنى و مَن أبغَضَكَ فَقَد أبغَضَنى، لأنَّكَ مِنّى كَنَفسى و طينَتُكَ مِن طينَتِى و أنتَ

وَصِيِّی و خَلیفَتِی عَلَی اُمَّتی.[11]

و ظاهراً کتاب «عرض المجالس» همان «امالی» صدوق است، ولیکن چون مراجعه به «امالی» شد و در ص 58 آن این روایت را نقل می‌کند ذیل آنرا پس از آنکه حضرت رسول صلّی الله علیه و آله فرمودند: **فِی سَلامَةٍ مِن دِینِكَ** بدینگونه ذکر می‌کند:

ثُمَّ قالَ: یا عَلِیُّ! مَن قَتَلَكَ فَقَد قَتَلَنی و مَن أبغَضَكَ فَقَد أبغَضَنی و مَن سَبَّكَ فَقَد سَبَّنی لأنَّكَ مِنّی کَنَفسی،

روحُكَ مِن روحی و طِینَتُكَ مِن طِینَتی؛ إنَّ اللهَ تَبارَكَ و تَعالَی خَلَقَنی و إیّاكَ و اصطَفانی و إیّاكَ و اختارَنی لِلنُّبُوَّةِ و اختارَكَ لِلإمامَةِ، فَمَن أنكَرَ إمامَتَكَ فَقَد أنكَرَ نُبُوَّتی. یا عَلِیُّ! أنتَ وَصِیِّی و أبو وُلدی و زَوجُ ابنَتی و خَلیفَتی عَلَی اُمَّتی فی حَیاتی و بَعدَ مَوتی، أمرُكَ أمری و نَهیُكَ نَهیی؛ اُقسِمُ بِالَّذی بَعَثَنی بِالنُّبُوَّةِ و جَعَلَنی خَیرَ البَرِیَّةِ إنَّكَ لَحُجَّةُ اللهِ عَلَی خَلقِهِ و أمینُهُ عَلَی سِرِّهِ و خَلیفَتُهُ عَلَی عِبادِهِ؛

انتهی.[12]

1ـ سوره البقری (2) آیه 183.

2ـ ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، ج 2، ص 490، ذیل تفسیر آیه فوق الذّکر: [لذّت و شیرینی خطاب با پروردگار مشقّت و سختی عبادت و رنج آن را زایل می‌گرداند. مترجم]

3ـ [گرفتاری اگر عمومیّت پیدا کند آسان خواهد شد. مترجم]

4ـ ***أقرب الموارد***: وَقَاهُ یَقِیهِ وِقَایَةً و وَقْیًا و وَاقِیَةً: سَتَرَهُ عَن الأذَی و صَانَهُ و حَفِظَهُ.

5ـ ***بحار الأنوار***، ج 6، ص 208، ابواب البرزخ و القبر و عذابه؛ ج 16، ص 390، باب 11؛ ***عوالی اللئالی***، ج 2، ص 233، باب صوم: [من چه بسا روزگارم را با پروردگارم سپری می‌نمایم درحالیکه او مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌کند.

مترجم]

6ـ ***نهج البلاغی***، کلمات قصار، کلمه 145.

7ـ و فی ***الوافی***: بِالرَّحمَةِ إلی عِبادِهِ. 3 ـ فی نسخة***الوافی***: یَقْدِرُ.

8ـ فی ***الوافی***: تَعالَی ذِکْرُهُ. 4 ـ فی ***الوافی***: و لَو بِشِقِّ تَمَرَةٍ.

9ـ ***وسائل الشیعی***، ج 10، ص 313، فی کتاب الصوم باب تأکّد استحباب الاجتهاد فی العبادی؛ و نیز این حدیث شریف را مرحوم سیّد در ***اقبال*** و مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی در ***أعمال السنی*** نقل نموده‌اند، و در کتاب ***عیون أخبار الرّضا***، ج 2، ص 265 موجود است: [امام رضا علیه السّلام از پدرانش از أمیرالمؤمنین علی بن أبی‌طالب علیهم السّلام روایت می‌کنند که آن حضرت فرمود: روزی رسول خدا برای ما خطبه ایراد می‌فرمود و چنین فرمودند: ای مردم! بدرستی که ماه خدا بسوی شما می‌آید درحالیکه نوید برکت و رحمت و آمرزش را به همراه دارد، ماهی که از همه ماهها نزد پروردگار با فضیلت‌تر است و روزها و شبها و ساعات آن بر سایر روزها و شبها و ساعات ماههای دیگر برتری دارند. ماهی که برای میهمانی پروردگار دعوت شده‌اید و از جملهٔ افرادی که مورد کرامت و تکریم پروردگار قرار گرفته‌اند واقع شدید. نفسهای شما در این ماه تسبیح بحساب می‌آید و خواب شما در این ماه عبادت نوشته می‌شود، اعمال شما در این ماه مورد قبول حضرت حقّ و دعاهای شما به مرتبه اجابت خواهد رسید. پس با قلبی خالص و نیّتی پاک و صادق از خدا بخواهید که شما را موفّق به روزه داری و تلاوت قرآن بدارد. به تحقیق که شقی و بدبخت آن کسی است که از آمرزش الهی در این ماه با عظمت محروم گردد.

گرسنگی و عطش در این ماه شما را به یاد گرسنگی و عطش روز قیامت بیندازد. بر فقراء و تنگدستان ببخشائید، بزرگانتان را تعظیم و تکریم و زیردستان را مورد رأفت و رحمت قرار دهید. ارحام و خویشان خود را صلهٔ رحم کنید. زبان خود را نگه

دارید و چشمان خود را از آنچه مورد سخط و غضب الهی است بپوشانید و گوشهای خود را از آنچه شنیدنش نکوهش شده است ببندید. بر یتیمان مردم رأفت کنید تا بر یتیمان شما رأفت و عطوفت ⇦ ⇦ کنند. و از گناهان خویش به درگاه الهی طلب مغفرت نمائید. و در اوقات نماز دستهای خود را برای دعا به پیشگاه خدا بلند کنید، و بدانید که اوقات نماز برترین اوقات است در نزد پروردگار که خدای متعال به بندگانش نظر لطف و مرحمت می‌اندازد. اگر او را بخوانند پاسخ می‌دهد و چون او را ندا کنند می‌پذیرد و جواب مثبت می‌دهد و اگر از او چیزی درخواست کنند عطا می‌کند و دعوت آنها را ردّ نمی‌نماید.

ای مردم! بدانید که افعال و اعمال، جانهای شما را در بند گرفتاریها و عالم شهوات و دنیای دنیّ درآورده است، پس با طلب آمرزش از خدا آنها را رها سازید و از قید عالم شهوت بیرون آورید. آثار و پیامدهای کردار ناشایست بر پشت شما سنگینی نموده است، پس بواسطهٔ سجده‌های طولانی این بار گران را از دوش خود بردارید. و بدانید که خدای متعال به عزّت و جلال خود سوگند یاد کرده که نمازگزاران و سجده کنندگان را به عذاب کیفر ندهد. و به آتش دوزخ آنان را بیمناک نسازد در روزی که همه در پیشگاه حساب اعمال نزد او حاضر می‌شوند.

ای مردم! کسی که در این ماه روزه داری را افطار دهد مانند کسی است که بنده‌ای را در راه خدا آزاد نموده است و تمام گناهان گذشته او مورد آمرزش قرار می‌گیرد. بعضی به پیامبر عرض کردند: همه ما قادر نیستیم که روزه‌داران را به افطار دعوت کنیم. پیامبر فرمود: تقوی را برای خود تحصیل نمائید گرچه به مقدار افطار دادن به اندازهٔ تکّه‌ای از خرما باشد یا جرعه‌ای از آب.

ای مردم! کسی که در این ماه اخلاق خود را نیکو کند در روزی که قدمها بر بالای صراط می‌لرزد او جواز عبور از صراط دریافت خواهد کرد و کسی که بر غلامان و کنیزانش آسان بگیرد خدای متعال در روز بازپسین بر او آسان خواهد گرفت. و

کسی که آزارش به دیگران را در این ماه کنترل نماید خداوند در روز قیامت او را مورد سخط و غضب خود قرار ندهد، و کسی که یتیمی را در این ماه گرامی بدارد خدا در روز ملاقات با بندگانش او را گرامی خواهد داشت. و کسی که ارتباط با خویشان خود را در این ماه پیوند دهد خداوند بین خود و او در روز جزا به رحمت واسعه‌اش پیوند برقرار نماید. و کسی که قطع رحم نماید خدا رحمتش را در روز قیامت از او دریغ نماید. و کسی که در این ماه نافله‌ای بخواند خداوند برائت از آتش دوزخ را برای او می‌نویسد. و کسی که واجبی از واجبات را ⇦ ⇦ در این ماه انجام دهد خدای متعال ثواب هفتاد عمل واجب در غیر این ماه برای او منظور می‌دارد. و کسی که در این ماه بر من درود بفرستد (اللهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد) خداوند کفّه ترازوی عمل او را در روزی که کفّه‌های ترازوی اعمال سبک است سنگین خواهد نمود. و کسی که در این ماه آیه‌ای از قرآن بخواند مانند کسی است که یک ختم قرآن در غیر این ماه نموده است.

ای مردم! درهای بهشت در این ماه باز است، پس از خدا بخواهید تا بر روی شما نبندد. و دربهای جهنّم بر روی شما بسته است پس از خدا تقاضا کنید تا بر روی شما نگشاید. و بر دست و پای شیاطین در این ماه بند نهاده‌اند، پس از خدا بخواهید که آنها بر شما مسلّط نگردند.

أمیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: من ایستادم و عرض کردم ای رسول خدا! بهترین اعمال در این ماه چه عملی است؟

حضرت فرمودند: ای ابالحسن با فضیلت‌ترین اعمال در این ماه دوری جستن از محرّمات الهی است؛ تا آخر حدیث. مترجم]

10ـ و نیز مرحوم سیّد بن طاووس در اوّل کتاب ***اقبال*** تمام حدیث را از محمّد بن أبی القاسم طبری در کتاب ***بشاری المصطفی لشیعی المرتضی*** با إسناد خود از حسن بن علیّ بن فضّال از حضرت علی بن موسی الرّضا از یک یک از آباء

گرامیش به ترتیب تا حضرت أمیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب علیه السّلام نقل می‌کند.

11ـ این تتّمه را در ***ینابیع المودّی***، طبع اسلامبول ص 53 از کتاب ***مناقب*** نیز روایت می‌کند؛ و نیز در ***غایی المرام*** ص 29 از ابن بابویه با إسناد خود از أصبغ بن نباته روایت می‌کند.

12ـ [سپس رسول خدا گریه کردند، من عرض کردم: چه چیزی باعث گریه شما شده است؟ فرمود: گریه من برای پیش‌آمدی است که در این ماه بر تو وارد خواهد شد. گویا ⇦ ⇦ هم اکنون می‌بینم که تو در محراب عبادت مشغول نماز و راز و نیاز با پروردگارت می‌باشی در این هنگام شقی‌ترین افراد در روی زمین که همسان پی‌کنندهٔ ناقه و شتر صالح است برمی‌خیزد و با شمشیر ضربتی بر فرق تو وارد می‌کند که محاسنت به خون سرت خضاب خواهد شد.

عرض کردم: ای رسول خدا! آیا در این وقت دینم سالم است و با یقین به مبانی و سلوک در صراط مستقیم این واقعه پیش خواهد آمد؟ رسول خدا فرمود: بلی یا علی در سلامت و استقامت در دین این مسأله رخ خواهد داد. آنگاه رسول خدا فرمود: یا علی! کسی که تو را بکشد مرا کشته است و کسی که تو را به غضب آورد مرا به غضب آورده است. و کسی که به تو ناسزا گوید به من ناسزا گفته است زیرا تو از من هستی مانند جان من. روح تو از روح من و سرشت تو از سرشت من است.

خدای متعال من و تو را خلق نمود و من و تو را برگزید، مرا برای رسالت و تو را برای امامت اختیار نمود پس کسی که امامت تو را انکار کند نبوّت مرا انکار کرده است.

ای علی! تو جانشین منی و پدر فرزندان من هستی و همسر دختر من می‌باشی، و جانشین من بر امّت در زمان حیات و پس از فوت من می‌باشی. دستور تو دستور

من و نهی تو نهی من است.

قسم به ذاتی که مرا به پیامبری برگزید و مرا برترین افراد مخلوقاتش قرار داد بدرستی که تو حجّت خدا بر خلق او هستی و امین پروردگار بر سرّ او می‌باشی و خلیفهٔ خدا بر بندگانش هستی. مترجم]